

## مقایسه ویژگی های شخصیتی در زوجین متقاضی طلاق و عادی

ياسرامیدوار<sup>۱</sup>، مهناز جوکار کمال آبادی، <sup>۲</sup> و علی پاکیزه <sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات، دانشگاه خلیج فارس بوشهر، ایران

آدرس پست الکترونیک (yaseromidvar@yshoo.com)

<sup>۲</sup> استادیار، دانشکده ادبیات، دانشگاه خلیج فارس بوشهر، ایران

آدرس پست الکترونیک (joukar.m@gmail.com)

<sup>۳</sup> استادیار، دانشکده ادبیات، دانشگاه خلیج فارس بوشهر، ایران

آدرس پست الکترونیک (alipakizeh@gmail.com)

### چکیده

این پژوهش به بررسی و مقایسه ویژگی های شخصیتی در زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی در شهر بوشهر در سال ۱۳۹۳ پرداخته است. هدف پژوهش حاضر مقایسه ویژگی های شخصیتی در زوجین متقاضی طلاق با افراد عادی است. روش پژوهش توصیفی از نوع علی - مقایسه ای می باشد. جامعه پژوهش شامل تمامی زوجین عادی و متقاضی طلاق ساکن شهر بوشهر بود. به همین خاطر از میان زوج های متقاضی طلاق ۱۹۷ نفر و از میان زوج های عادی نیز ۱۹۹ نفر به شیوه نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. برای جمع آوری داده های مربوط به ویژگی های شخصیتی از پرسشنامه پنج عاملی نئو (NEO) و پرسشنامه محقق ساخته خصوصیات مربوط به ازدواج استفاده گردید و برای تحلیل داده ها از روش آماری تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) در سطح معناداری  $p < 0/05$  استفاده شد. نتایج پژوهش مذکور نشان داد که بین زوج های متقاضی طلاق و زوج های عادی از نظر ویژگی های شخصیتی روانرنجورخویی، برونگرایی و گشودگی به تجربه در سطح  $p < 0/05$  تفاوت معنادار وجود دارد.  
واژه های کلیدی: ویژگی های شخصیتی، طلاق

## A Comparison of the Personality traits in Couples Applicants of Divorce and Normal Couples.

yaser, omidvar 1; mahnaz, joukar kamal-abadi, 2 ali, pakizeh3

<sup>1</sup> M.A. in psychology Department of General Psychology, *persian golf University of bushehr, bushehr, Iran,*

<sup>2</sup> Assistant professor, *persian golf University of bushehr, bushehr, Iran*

<sup>3</sup> Assistant professor, *persian golf University of bushehr, bushehr, Iran*

### Abstract

*The purpose of this study, compared the Personality traits between normal and Applicants of divorce couples in bushehr city in year 2015. The research method was causal-comparative. For this reason, of the divorce couples 197 person and of the normal couples 199 person selected available sampling*

*method. The assessment tools included a Big- Five-Factor Personality Questionnaire (Costa & McCrae, 1989) and a Characteristics of marriage Questionnaire (made by researcher). For data analysis, multivariate analysis of variance (MANOVA) at significant  $p < 0/05$  was used. The results showed that between divorce and normal couples in terms of personality traits Neuroticism, Extroversion and Openness experience at  $p < 0/05$  there is a significant difference.*

*Keywords: personality Characteristics, demographic characteristics, divorce*

## ۱- مقدمه

خانواده اصلی ترین هسته ی هر جامعه و کانون حفظ سلامت و بهداشت روانی است و نه تنها محل تأمین نیازهای عاطفی، مادی، تکاملی و معنوی اعضای خود است بلکه مبدأ بروز عواطف انسانی و کانون صمیمانه ترین روابط و تعاملات بین فردی نیز می باشد (فاضل و همکاران، ۱۳۹۰). یکی از عواملی که می تواند این کانون گرم و صمیمانه را تهدید کند و موجب ناراحتی ها و مشکلات متعددی در این کانون گرم و صمیمانه شود، بروز آسیبی تحت عنوان طلاق است که آثار مخرب آن در ابعاد اجتماعی فوق العاده زیاد بوده و موجب ایجاد ناهنجاریهای اجتماعی بسیاری می شود. طلاق نوعی گسست و جدایی و اختلال در بنیان های اساسی خانواده است که منجر به جدایی همیشگی می شود (محقق داماد، ۱۳۸۷). طلاق فرایندی است که با تجربه بحران عاطفی هر دو زوج شروع می شود و با تلاش برای حل تعارض از طریق ورود به موقعیت جدید با نقشها و سبک زندگی جدید خاتمه می یابد (گاتمن، ۱، ۱۹۹۳). طلاق به معنای فروپاشی مهمترین نهاد جامعه پذیری در جامعه انسانی است. نهاد خانواده در دنیای کنونی، به طور گسترده ای طلاق را تجربه می کند؛ البته این بدان معنا نیست که خانواده در گذشته با این پدیده مواجه نبوده است، ولیکن طلاق نیز مانند تمام پدیدههای دیگر، تغییر ماهیت یافته است. امروزه طلاق اغلب گزینش اختیاری افراد است و به نظر می رسد نسبت به گذشته پدیدههای عادی و عملی بهنجار انگاشته می شود و به گونه ای روزافزون اقدامی برای رهایی از تنش خانوادگی تلقی می گردد. زمانی طلاق آخرین راه حل یک زندگی مشترک محسوب می گردید و تا رسیدن به آن نقطه پایانی، تمامی راهها برای تداوم زندگی زناشویی آزمون می شد، اما اکنون طلاق همچون ازدواج، امری طبیعی محسوب می شود و در اکثر جوامع روشی پذیرفته و نهادینه شده برای پایان ازدواج است (محبی، ۱۳۸۰). اگرچه طلاق هم اکنون در جوامع روشی پذیرفته شده و نهادینه شده برای پایان ازدواج است، به عنوان یک مسئله اجتماعی می تواند زمینه بروز بسیاری از مسائل و پیامدهای متفاوت و بعضاً زمینه بروز بسیاری از آسیب های اجتماعی دیگر در سطوح فردی و سطوح اجتماعی را فراهم آورد. از یک سو این آثار و پیامدها می تواند عوارضی را برای زنان و مردان و از سوی دیگر برای فرزندان به همراه داشته باشد. از جمله آثار و عوارض منفی طلاق بر زنان مطلقه مشکلات اقتصادی و معیشتی، تن دادن به ازدواج های موقت و یا خارج از عرف اجتماعی، افسردگی، سرخوردگی و کاهش رضایت از زندگی، پذیرش نقش های چندگانه و تعدد نقش ها، روی آوردن به آسیب هایی همچون قتل، خودکشی، اعتیاد، فحشا، سرقت، انزوا و اختلال در مناسبات و تعاملات اجتماعی، مشکلات جنسی و روی آوردن به انحرافات جنسی و فساد اخلاقی، مشکلات ناشی از عدم حضانت فرزندان، دلتنگی و از دست دادن سلامت روانی و جسمی و ... هستند. برای مردان فشارهای روحی و روانی، ابتلا به انواع آسیب ها مثل اعتیاد به مواد مخدر، الکل، اختلافات رفتاری، خودکشی، فحشا و انحرافات جنسی و قرار گرفتن در معرض انواع بیماری های عفونی و ویروسی، از دست دادن پیوندها و همبستگی با خانواده، طرد خانوادگی و اختلاف با سایر اعضای خانواده، تن دادن به ازدواج های موقت و ازدواج های ثانویه، اختلاف بین فرزندان با همسر در صورت ازدواج مجدد، از جمله آثار و پیامدهای منفی طلاق برای مردان است. آثار و عوارضی که طلاق برای فرزندان به همراه دارد، از آن جهت قابل اهمیت است که می تواند زمینه بروز بسیاری از اختلالات رفتاری، روحی و روانی در آنان باشد و زندگی فردی و اجتماعی آتی آنان را به مخاطره اندازد. طلاق علل متعددی دارد و کمتر می توان برای آن علل محدودی را در نظر گرفت. طلاق از آن دسته پدیده های اجتماعی است که دارای

<sup>1</sup>- Guttman

علل متعدد و در اکثر مواقع پیچیده است اما یکی از معماهایی که امروزه برای متخصصان در برخورد با زندگی افراد گوناگون مطرح می شود، این است که بسیاری از زوج ها با وجود نارضایتی به زندگی در کنار هم ادامه می دهند و در مقابل عده ای دیگر با وجود رضایت کامل از یکدیگر جدا می شوند. یکی از عواملی که می تواند در سازگاری زوجین نارضایتی و کنار آمدن آن ها باهم و همچنین جدا شدن زوج های دارای رضایت کامل ویژگی شخصیتی زوجین است که می تواند در روابط آن ها تاثیر زیادی داشته باشد. پژوهش ها نشان داده اند که ثبات و پایداری یک ازدواج با هماهنگی ویژگی های شخصیتی زوجین مرتبط است. اگر چه خصوصیات شخصیتی زیادی وجود دارد اما از جمله مهمترین و با نفوذترین مدلها در بررسی صفات شخصیت در دهه های اخیر مدل پنج عاملی بوده است که بیش از همه، پژوهش در حوزه شخصیت را به خود اختصاص داده است (مک کری و کوستا، ۲۰۰۴). طبق نظریه های صفات، شخصیت، مجموعه ای از ابعاد منشی غیر موقعیتی یا پایدار که می تواند در افراد متفاوت باشد. کوستا و مک کری (۱۹۸۷) با استفاده از روشهای تحلیل عاملی، به این نتیجه رسیدند که می توان در خصوصیات شخصیتی پنج بعد اصلی را در نظر گرفت. روان رنجورخوی، به تمایل فرد برای تجربه اضطراب، تنش، خصومت، تکانش وری، افسردگی و حرمت نفس پایین برمی گرد. برونگرایی به تمایل فرد برای مثبت بودن، جرات طلبی، پرانرژی بودن و صمیمیت اطلاق می گردد. گشودگی به تمایل فرد برای کنجکاوی، عشق به هنر، هنرمندی، انعطاف پذیری و خردورزی گفته می شود. مقبولیت به تمایل فرد برای بخشندگی، مهربانی، سخاوت، و همفکری، نوع دوستی و اعتمادورزی مربوط می شود. وظیفه شناسی به تمایل فرد برای منظم بودن کارآمدی، قابلیت اعتماد و اتکا، خودنظم بخشی، پیشرفت مداری، منطقی بودن و آرام بودن برمی گردد. پژوهش ها به این نتیجه رسیدند که ویژگی های شخصیتی یکی از مهمترین عامل ها در شکل گیری، حفظ، و فروپاشی ازدواج هستند. به طور کلی، ویژگی های شخصیتی بر شیوه ای که همسران یکدیگر را درک و با هم تعامل می کنند تأثیر می گذارد و تعیین می کند که چگونه اختلافات زناشویی درک و مطرح می شوند (بارلدس دیک ۲ و بارلدس-دی جکسترا، ۲۰۰۶). محققان معتقدند که یک توافق عمومی وجود دارد که خصوصیات شخصیتی نقش مهمی در نتایج منفی یا مثبت روابط زناشویی دارد (آتاری ۴ و همکاران، ۲۰۰۶). رابینزه و همکاران (۲۰۰۰) نشان دادند که از میان پنج عامل بزرگ شخصیت، ویژگی روانرنجورخویی قدرتمندترین پیش بینی کننده عدم ثبات رابطه و نارضایتی زناشویی است. دونلان ۶ و همکاران (۲۰۰۴) با اشاره به تحقیقات متعدد انجام شده، بر این نکته تاکید دارند که رضایت زناشویی بیش از همه، از ویژگی های شخصیتی زوجین متأثر است. لو ۷ و کلهنن ۸ (۲۰۰۵) نمونه بزرگی از زوجین را به منظور بررسی رابطه بین رضایت زناشویی و شباهت زوجین از نظر ویژگی های شخصیتی انتخاب کردند و مورد بررسی قرار دادند. و دریافتند که رضایت زناشویی تحت تاثیر شباهت زوجین از نظر ویژگی های شخصیتی است. نیمچک ۹ والسون ۱۰ (۱۹۹۹) با استفاده از مدل پنج عاملی شخصیت با این نتیجه رسیدند که شباهت در سطوح وجدانی بودن هم برای زنان و هم برای شوهران ارتباطی معنی دار با سازگاری زناشویی دارد، شباهت در ویژگی توافق زوج ها فقط با سازگاری زناشویی شوهران رابطه دارد و شباهت زوج ها در ویژگی عصبیت فقط با سازگاری زناشویی زنان رابطه دارد و نه شوهران و در باز بودن احساسات (عواطف) با سازگاری زناشویی زنان رابطه داشته و شباهت زوجین زوجها در برون گرایی هیچ تاثیری در سازگاری زنان و شوهران ندارد. شکر کن و همکاران (۱۳۸۵) در تحقیقی دیگری با عنوان «بررسی ویژگی های شخصیتی، مهارت های اجتماعی، سبک های دلبستگی و ویژگی های جمعیت شناختی به عنوان پیشبین های موفقیت و شکست زندگی زناشویی در زوج های متقاضی طلاق و عادی اهواز» نشان داد که شکست و موفقیت رابطه زناشویی را می توان از روی متغیرهایی چون ویژگی های شخصیتی، مهارت های

1- McCrea & Costa

2- Barelds, Dick

3- Barelds-Dijkstra

4- Attari

5- Robins

6- Dunnellon

7- Luo

8- Klohnen

9- Nemchec

10- Olson

## همایش بین‌المللی روان‌شناسی و فرهنگ زندگی

اجتماعی، سبک‌های دلبستگی و ویژگی جمعیت شناختی پیش‌بینی نمود. نتایج پژوهشی با عنوان تاثیر همانندی / تضاد در ویژگی‌های شخصیتی درون‌گرایی / برون‌گرایی بر رضایت زناشویی بیانگر آن است که بالاترین میزان رضایت زناشویی در ازدواج میان‌گرا با درون‌گرایی عادی حاصل می‌شود و بدترین ازدواج، ازدواج زن درون‌گرا با مرد برون‌گراست (دانش، ۱۳۸۴). حسینی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان مقایسه ویژگی‌های شخصیتی در زوجین عادی و متعارض بر اساس فرم ۵ عاملی نئو به این نتیجه رسیدند که بین این دو گروه از نظر ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری، برون‌گرایی و بازبودن به تجربه تفاوت معنادار وجود دارد و از نظرویرگی‌های وجدانی بودن و انعطاف‌پذیری تفاوت معناداری دیده نشد. رجبی و بنگانی (۲۰۰۹) در پژوهش خود تحت عنوان بررسی رابطه‌ی بین ویژگی‌های شخصیتی و مؤلفه‌های عشق با رضایت زناشویی در کارکنان متأهل اداره‌های دولتی به این نتیجه رسیدند که بین مؤلفه روان‌رنجوری شخصیت و رضایت زناشویی رابطه منفی وجود دارد و بین برون‌گرایی، بازبودن به تجربه و وجدان و توافق‌پذیری و رضایت زناشویی رابطه مثبت وجود دارد. در واقع رابطه زناشویی پیوند دو شخصیت است و هریک از همسران با پیشینه تحولی، سبک شخصیتی، ترکیب عوامل زیست‌شناختی و تجربی گوناگون به زندگی مشترک قدم می‌گذارند (محمدزاده ابراهیمی و همکاران، ۲۰۰۷). نتایج پژوهش حسینی نسب و همکاران (۱۳۸۸) تحت عنوان رابطه ویژگی‌های شخصیتی و سبک حل تعارض بین فردی با سازگاری زناشویی، نشان داد که بین ویژگی‌های شخصیتی توافق‌پذیری، برون‌گرایی، دلپذیر بودن و انعطاف‌پذیری با سازگاری زناشویی همبستگی مثبت معنی‌دار و بین روان‌رنجورخویی و سازگاری زناشویی رابطه منفی معنی‌دار وجود دارد. شاهمرادی و همکاران (۱۳۹۰) پژوهشی را تحت عنوان پیش‌بینی تعارض زناشویی از طریق ویژگی‌های شخصیتی، روانی و جمعیت‌شناختی زوج‌ها به انجام رساندند، که نتایج پژوهش آنان نشان داد که بین زوجین عادی و در معرض طلاق در روان‌رنجورخویی، تجربه‌پذیری و وظیفه‌شناسی به طور معنی‌داری با یکدیگر تفاوت وجود دارد. کاگالین<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۰) در مطالعه‌ای ۱۳ ساله به این نتیجه رسیدند که قسمت اعظم رابطه بین روان‌رنجورخویی و رضایت زناشویی مربوط به الگوهای ارتباطی منفی بین همسران است. یعنی افراد روان‌رنجور عواطف منفی بیشتری را به همسران ابراز می‌کنند و از این طریق به شکل‌گیری الگوهای تعاملی منفی در روابط زناشویی کمک می‌کنند. جارویس<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) معتقد است افراد وظیفه‌شناس، برای حفظ و ثبات روابط زناشویی خود تلاش هدفمند بیشتری انجام می‌دهند. کوردک<sup>۳</sup> (۱۹۹۳) معتقد است، وجود سطوح بالای وظیفه‌شناسی باعث می‌شود، فرد وجدان‌گرایی بیشتر داشته باشد و از نشان دادن رفتارهای خشونت‌آمیز در روابط زناشویی خودداری و تکانه‌های خود را مهار کند. همچنین واتسون<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۰۰) در پژوهش خود گزارش کرده‌اند که توافق‌پذیری، وظیفه‌شناسی و برون‌گرایی نیز همبستگی مثبت با رضایت زناشویی دارند. مرادی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان مقایسه خصوصیات جمعیت‌شناختی، ویژگی‌های شخصیتی و کیفیت زندگی در زوج‌های عادی و زوج‌های در آستانه طلاق به این نتیجه رسید که بین ویژگی‌های شخصیتی زوجین عادی و در آستانه طلاق تفاوت معنادار وجود دارد. جنتی‌جهرمی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان بررسی و مقایسه‌ی رابطه‌ی میان ویژگی‌های شخصیتی و رضایت‌مندی زناشویی در زنان شاغل شهر کازرون با تعداد ۲۰۰ نفر به عنوان نمونه و استفاده از ابزار رضایت‌زناشویی انریچ و پرسشنامه‌ی شخصیتی نئو به نتایج زیر دست یافتند: بین عامل عصبی بودن (بی‌ثباتی هیجانی) و برون‌گرایی با رضایت زناشویی رابطه‌ی منفی و معنادار وجود دارد. بین عامل بازبودن با رضایت زناشویی رابطه‌ی مستقیم وجود دارد. با توجه به ادبیات تحقیق و پیشینه پژوهشی یکی از عواملی که می‌توند در بروز تعارض در بین زوجین، ایجاد جدایی عاطفی و در نتیجه اقدام به طلاق در بین زوجین شود، ویژگی‌های شخصیتی زوجین می‌باشد. از آنجا تعارضات خانوادگی و طلاق می‌توانند عوارض و پیامدهای منفی در جامعه به خصوص بر خود زوجین و فرزندان آن‌ها داشته باشند، مهم و ضروری است در مورد علت‌های این معضل به پژوهش و مطالعه پرداخته شود. اگرچه تحقیقات قبلی تاثیر ویژگی‌های شخصیتی را تا حدودی روشن نموده‌اند، این تحقیق در راستا و ادامه تحقیقات قبلی با هدف

1- Caughlin

2- Jarvis

3- Kurdek

4- Watson

## همایش بین‌المللی روان‌شناسی و فرهنگ زندگی

روشن نمودن و باز تأیید نمودن در صدد این است تا با مقایسه ویژگی‌های شخصیتی در زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی شهر بوشهر گامی در شناختن عوامل مرتبط با این معضل بردارد تا با شناختن این عوامل بتوان راهکارهای سودمندتری در جهت پیشگیری از طلاق و در نتیجه کاهش آن در جامعه ارائه داد. به همین منظور برای دستیابی به این اهداف، فرضیات زیر ارائه می‌شود.

- بین زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی از نظر ویژگی‌های شخصیتی تفاوت وجود دارد.

### ۲- روش تحقیق:

روش پژوهش حاضر، روش - علی مقایسه ای می باشد. جامعه آماری این پژوهش کلیه زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی شهر بوشهر بودند که دامنه سنی آن‌ها تقریباً ۲۰ تا ۶۰ سال را در بر می‌گرفت. در انجام این پژوهش تعداد ۳۹۶ نفر (۱۹۷ نفر متقاضی طلاق و ۱۹۹ نفر عادی) شرکت داشتند که ۱۹۷ نفر از آنان را زوجین متقاضی طلاق و ۱۹۹ نفر از آن‌ها را زوجین عادی تشکیل می‌دادند. جهت انتخاب آزمودنی‌ها از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. لازم به ذکر است که پرسشنامه‌ها به صورت انفرادی توسط آزمودنی‌ها تکمیل گردید. برای تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از نرم افزار SPSS و آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد.

### ابزار اندازه‌گیری

**پرسشنامه پنج عاملی شخصیت نئو (NEO-FFI):** برای سنجش پنج عامل بزرگ شخصیت از فرم کوتاه نئو (NEO- FFI) استفاده شد. این پرسشنامه در واقع کوتاه شده‌ی پرسشنامه‌ی ۲۴۰ سؤالی (NEO- PI- R) با ۶۰ سؤال است که کوستا و مک‌گری (۲۰۰۴) برای ارزیابی ۵ ویژگی اصلی شخصیت (نورزگرایی، برونگرایی، گشودگی، مقبولیت، باوجدانی) تدوین کردند و براساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالف، تا کاملاً موافق نمره‌گذاری می‌شود و ضرایب اعتبار بازآزمایی آن نیز بین ۰/۸۳ تا ۰/۷۵ گزارش شده است. گروسی فرشی (۱۳۸۰)، نیز ضرایب همسانی درونی را برای هر یک از عوامل روانرنجورخویی، برونگرایی، باز بودن به تجربه، مقبولیت و باوجدانی به ترتیب برابر: ۰/۸۶، ۰/۷۳، ۰/۵۶، ۰/۶۸ و ۰/۸۷ گزارش کرده است (فتیحی آشتیانی و دادستان، ۱۳۸۹). همچنین در این پژوهش ضرایب پایایی به روش آلفای کرونباخ بین ۰/۶۸ تا ۰/۷۶ به دست آمد. در پژوهش کیامهر (۱۳۸۱)، پایایی این آزمون با استفاده از روش بازآزمایی برای پنج عامل روانرنجورخویی، برونگرایی، باز بودن به تجربه، مقبولیت و وجدانی بودن به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۸۲، ۰/۷۸، ۰/۶۵ و ۰/۸۶ گزارش شده است. خجسته مهر (۱۳۸۴) نیز پایایی این پرسشنامه را در مردان و زنان متقاضی طلاق شهر اهواز با روش آلفای کرونباخ بین ۰/۶۶ تا ۰/۹۰ و با روش تنصیف بین ۰/۵۱ تا ۰/۸۲ و برای مردان و زنان عادی با روش آلفای کرونباخ بین ۰/۶۰ تا ۰/۸۴ و با روش تنصیف بین ۰/۶۴ تا ۰/۸۰ محاسبه کرد. یک نمونه از سوالات پرسشنامه به این شرح است: دوست دارم همیشه افراد زیادی دور و برم باشد.

**پرسشنامه اطلاعات جمعیت شناختی:** این پرسشنامه جهت تکمیل اطلاعات توسط محقق تدوین شده است. این پرسشنامه در بر گیرنده اطلاعاتی اولیه در خصوص ویژگی‌های نمونه، شامل: مدت آشنایی قبل از ازدواج در دو گروه عادی و گروه متقاضی طلاق و علت تقاضای طلاق در گروه متقاضی طلاق می‌باشد.

### ۳- یافته‌های پژوهش

جدول شماره (۱) آماره‌های توصیفی متغیرهای مربوط به گروه‌های مورد مطالعه را نشان می‌دهد. مطابق مندرجات این جدول، که نمرات خرده مقیاس‌های آزمون ۵ عاملی NEO در دو گروه عادی و متقاضی طلاق نشان داده است، میانگین مقیاس‌های روانرنجوری و تجربه‌پذیری در گروه متقاضی طلاق بیشتر از گروه عادی است و میانگین مقیاس برونگرایی و

## همایش بین‌المللی روان‌شناسی و فرهنگ زندگی

موافقت در گروه عادی بیشتر از گروه متقاضی طلاق است و در مقیاس وجدانی بودن دو گروه تقریباً دارای میانگین یکسانی هستند.

جدول (۱) میانگین و انحراف استاندارد مولفه‌های تست شخصیتی نئو در زوجین متقاضی طلاق و عادی

متغیرها	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	تعداد
روان‌رنجورخوبی	عادی	۲۱/۷۶	۶/۶۴	۱۹۹
	متقاضی طلاق	۲۵/۰۹	۶/۵۵	۱۹۷
برونگرایی	عادی	۳۰/۱۰	۵/۴۸	۱۹۹
	متقاضی طلاق	۲۷/۹۶	۶/۵۳	۱۹۷
گشودگی به تجربه	عادی	۲۲/۷۵	۳/۶۴	۱۹۹
	متقاضی طلاق	۲۴/۳۲	۴/۰۸	۱۹۷
موافقت	عادی	۳۰/۰۷	۵/۹۹	۱۹۹
	متقاضی طلاق	۲۹/۴۲	۵/۴۶	۱۹۷
وجدان	عادی	۳۴/۹۳	۶/۲۰	۱۹۹
	متقاضی طلاق	۳۴/۸۵	۶/۸۴	۱۹۷

با توجه به سطوح متغیرهای وابسته، برای مقایسه دو گروه در متغیرهای خرده‌مقیاس‌های شخصیت از آزمون تحلیل واریانس چند استفاده شده است. البته قبل از انجام تحلیل (MANOVA) متغیره واریانس چند متغیره، پیش‌فرض‌های آن مورد بررسی قرار داده شد. بدین منظور برای بررسی تساوی واریانس‌ها، آزمون لوین انجام شد که نتایج آزمون لوین برای تمام خرده‌مقیاس‌های آزمون پنج‌عامل نئو معنادار نبود و نشان می‌دهد که این پیش‌فرض رعایت شده است لذا از آزمون معناداری تحلیل واریانس چند متغیره استفاده گردید که نتایج آن در جدول (۳) نشان داده شده است.

جدول (۲) نتایج اثرات ویژگی‌های شخصیتی بر حسب گروه مورد مطالعه

منابع تغییرات	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
روان‌رنجورخوبی	۱۰۹۶/۱۵	۱	۱۰۹۶/۱۵	۲۵/۱۵۰	۰/۰۰۱	
برونگرایی	۴۴۹/۵۴	۱	۴۴۹/۵۴	۱۲/۳۵۲	۰/۰۰۱	
گشودگی به تجربه	۲۴۲/۸۰	۱	۲۴۲/۸۰	۱۶/۲۲۶	۰/۰۰۱	

## همایش بین المللی روان شناسی و فرهنگ زندگی

موافقت	۴۱/۰۵	۱	۴۱/۰۵	۱/۲۴۷	۰/۲۶۵
وجدان	۰/۷۴	۱	۰/۷۴	۰/۰۱۸	۰/۸۹۵

مطابق مندرجات جدول (۲)، بین دو گروه عادی و متقاضی طلاق در خرده مقیاس های روانرنجوری، برونگرایی و گشودگی به تجربه تفاوت معناداری وجود دارد و در دو خرده مقیاس دیگر یعنی موافقت و وجدان تفاوت معناداری دیده نشد. به بیان دیگر، گروه متقاضی طلاق در خرده مقیاس های روانرنجوری و گشودگی به تجربه نمره بالایی نسبت به گروه عادی کسب کردند که این تفاوت معنادار بود. گروه عادی در خرده مقیاس برونگرایی نمره بالایی نسبت به گروه متقاضی طلاق کسب کردند که این تفاوت نمره معنادار بود. در مقیاس های دیگر یعنی وجدان و موافقت هر دو گروه تقریباً نمره یکسانی را دریافت کردند و تفاوت معناداری بین دو گروه در این دو خرده مقیاس دیده نشد.

### یافته های جانبی پژوهش

از دیگر یافته های این پژوهش، مقایسه اطلاعات مربوط به مدت آشنایی قبل از ازدواج در دو گروه زوجین عادی و متقاضی طلاق و همچنین اطلاعات مربوط به دلایل طلاق در زوجین متقاضی طلاق بود که از طریق پرسشنامه محقق ساخته بدست آمد، که نتایج در جدول شماره (۳) آمده است.

جدول (۳) اطلاعات مربوط به مدت آشنایی قبل از ازدواج و دلایل طلاق

متغیر	سطوح	زوجین عادی	زوجین متقاضی طلاق
	یکسال و کمتر	۸۲	۱۲۶
	۲سال	۴۰	۱۹
آشنایی قبل از ازدواج	۳سال	۱۹	۱۰
	۴سال	۴	۱۳
	۵سال	۱۱	۱۳
	بالتر از ۵	۴۳	۱۶
	مشکلات اخلاقی زوج	-	۳۲
	مشکلات اخلاقی زوجه	-	۲۴
علت طلاق	عدم تفاهم اخلاقی	-	۷۹
	اعتیاد	-	۲۳
	دخالت خانواده	-	۳
	نداشتن فرزند	-	۲

مطابق مندرجات جدول (۳) بیشترین فراوانی مربوط به مدت آشنایی قبل از ازدواج، مربوط به زوجین متقاضی طلاق در زیرگروه یکسال و کمتر از یکسال می باشد و همچنین در مدت آشنایی قبل از ازدواج بالاتر از ۵ سال گروه عادی بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. در مورد داده های مربوط به علت یا دلایل طلاق از نظر افراد متقاضی طلاق، بیشترین فراوانی مربوط به عدم تفاهم اخلاقی است. بعد از آن هم، مشکلات اخلاقی زوج، مشکلات اخلاقی زوجه و اعتیاد به ترتیب

## همایش بین‌المللی روان‌شناسی و فرهنگ زندگی

بالاترین فراوانی‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. دخالت خانواده‌ها و نداشتن فرزند هم تاثیر ناچیزی در اقدام به طلاق زوجین داشته است.

### ۴- بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش مقایسه ویژگی‌های شخصیتی زوج‌های متقاضی طلاق و زوج‌های عادی بر اساس آزمون شخصیتی پنج‌عاملی NEO بود. نتایج پژوهش مبین این واقعیت است که زوج‌های متقاضی طلاق در مقایسه با زوج‌های عادی در برخی از خرده‌مقیاس‌های آزمون شخصیتی پنج‌عاملی NEO با هم تفاوت معناداری دارند. نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر نشان داد نمره خرده‌مقیاس روان‌رنجوری و باز بودن به تجربه در زوج‌های متقاضی طلاق به طور معناداری بیشتر از زوج‌های عادی می‌باشد. نمره خرده‌مقیاس برونگرایی در زوجین عادی به طور معنی‌داری بیشتر از زوجین عادی می‌باشد. در دو مقیاس دیگر یعنی موافقت و وجدان میانگین نمرات زوجین عادی بیشتر از زوجین متقاضی طلاق است ولی این تفاوت معنی‌دار نمی‌باشد. در رابطه با روان‌رنجوری نتایج این تحقیق با یافته‌های پژوهش‌های (رابینز و همکاران، ۲۰۰۰)، (شعرباف، ۱۳۷۹)، (رجبی و بنگانی، ۲۰۰۸)، (حسینی نسب و همکاران، ۱۳۸۸)، (شاهمردای و همکاران، ۱۳۹۰)، (شاکریان و همکاران، ۱۳۹۰)، (مرادی، ۱۳۹۲)، (کاگلین و همکاران، ۲۰۰۰)، جنتی جهرمی و همکاران (۱۳۸۹)، (احدی، ۱۳۸۶)، (حسینی و همکاران، ۱۳۹۱) و ... همخوان می‌باشد. در تبیین این نکته می‌توان چنین بیان کرد که افرادی که دارای روان‌رنجورخویی هستند، معمولاً دارای عدم ثبات عاطفی و عواطف منفی چون غم، ترس، خشم، اضطراب، عصبانیت، احساس گناه و ... هستند. این عواطف منفی و عدم ثبات عاطفی انطباق فرد با خانواده و همسر، درک همسر، درک و انجام نقش‌های همسر داری، توجه به همسر و ... را مختل می‌کند و سبب تمایل بیشتر فرد به تکانش‌گری و و پرخاشگری می‌شود، که این خود روابط فرد با خانواده و همسر خویش را جریحه‌دار کرده و سبب تعارض و در نتیجه اقدام به طلاق می‌شود. از سوی دیگر این عواطف منفی قدرت فرد را در تصمیم‌گیری و کنترل تکانه‌ها کاهش می‌دهد و این عامل سبب می‌شود که فرد در هنگام مواجهه با مشکلات و بحران‌های زندگی نتواند از راهبرد مناسبی استفاده کند که این خود می‌تواند پیش‌درآمدی برای ایجاد تعارض و در نتیجه اقدام به طلاق شود. همچنین افرادی که دارای ویژگی روان‌رنجورخویی هستند، مستعد داشتن عقاید و افکار غیر منطقی هستند. از آنجا که یکی از عواملی که می‌تواند موجب تعارض و اختلاف در بین زن و شوهر شود، همین عقاید و افکار غیرمنطقی هستند، روان‌رنجورخویی زوج‌ها می‌تواند آن‌ها را به سوی عقاید غیر منطقی سوق دهد و توانایی آن‌ها را برای مقابله با فشارهای روانی و مشکلات از بین ببرد و در نتیجه افراد را در هنگام روبرو شدن با مشکلات و اختلاف‌ها عصبی‌تر و غیرمنطقی‌تر کند که این خود احتمال تعارض، جدایی عاطفی و در نتیجه اقدام به طلاق را در بین زوجین افزایش دهد. یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش این بود که میانگین باز بودن به تجربه در زوجین متقاضی طلاق به طور معناداری بیشتر از زوجین عادی می‌باشد. در رابطه با باز بودن به تجربه نتایج این پژوهش با یافته‌های (رجبی بنگانی، ۲۰۰۸)، (حسینی نسب و همکاران، ۱۳۸۸)، جنتی جهرمی و همکاران (۱۳۸۹)، و ... ناهمخوان است. اگر چه این یافته با یافته‌های قبلی ناهمخوان است، ممکن است به خاطر اختلافات فرهنگی، جامعه‌آماری خاص، موقعیت جغرافیایی خاص و یا عوامل دیگر باشد. ولی یافته این پژوهش را فقط اینطور می‌توان تبیین کرد که تجربه‌پذیری (بازبودن به تجربه) یک ویژگی شخصیتی است که حس کنجکاوی و تجربه‌کردن چیزهای جدید را در فرد به وجود می‌آورد. همین ویژگی در زوجین می‌تواند سبب شود تا آن‌ها به دنبال تنوع در شریک جنسی خود باشند و در نتیجه به دنبال روابط فرا زناشویی باشند و یا اینکه تجارب جدیدی مثل اعتیاد، مصرف الکل، وقت‌گذرانی‌های خارج از خانه زیاد با دوستان و به سفر رفتن و گشت و گزارهای زیاد کردن را تجربه کنند که این‌ها همه و همه خود می‌توانند عواملی برای ایجاد تعارض در یک رابطه و شدت گرفتن اختلافات باشد و در نتیجه موجب اقدام به طلاق از طرف خود فرد یا همسر شود. اما با این حال همان‌طور که مک‌کری و کاستا (۱۹۹۷) بیان داشته‌اند در میان پنج عامل بزرگ شخصیت، عامل تجربه‌پذیری، پیچیده‌ترین عامل می‌باشد و درک و شناسایی آن مشکل است. بنابراین مطالعات و پژوهش‌های بیشتری باید صورت گیرد تا رابطه بین این عامل و اقدام به طلاق مشخص شود. از دیگر یافته‌های پژوهش این بود



## همایش بین‌المللی روان‌شناسی و فرهنگ زندگی

که میانگین برونگرایی به طور معنی‌داری در زوجین عادی بیشتر از زوجین متقاضی طلاق بود. در رابطه با برونگرایی نتایج این پژوهش با یافته‌های (حسینی نسب و همکاران، ۱۳۸۸)، (حسینی و همکاران، ۱۳۹۱)، (عسگری، ۱۳۸۹)، (شاکریان و همکاران، ۱۳۹۰)، (رجبی کنگانی، ۲۰۰۸)، (واتسون و همکاران، ۲۰۰۰) و (مرادی، ۱۳۹۲) همخوان است و با پژوهش (جنتی جهرمی و همکاران، ۱۳۸۹) ناهمخوان است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که افراد برونگرا دارای ویژگی‌هایی چون گرمی، محبت، جمع‌گرایی، جرات‌ورزی، فعالیت، هیجان‌خواه، عواطف مثبت و مطلوب هستند. این ویژگی‌ها سبب ایجاد یک فضای شاد، دل‌انگیز در خانواده می‌شود و سطح سازگاری و رضایت را در زندگی افزایش می‌دهد و باعث ایجاد روابط زناشویی مستحکم بین زن و شوهر می‌شود. همچنین از سوی دیگر افرادی که دارای ویژگی برونگرایی هستند، به علت ارتباطات زیاد، معمولاً در هنگام بروز بحران و مشکل در زندگی، از حمایت‌های اجتماعی زیادی برخوردار می‌شوند و از این طریق بهتر می‌توانند با مشکلات دست و پنجه نرم کنند و آن‌ها را حل کنند. ولی افراد درونگرا یا کمتر برونگرا معمولاً مشکلات را در درون خود نگه می‌دارند، که این خود می‌تواند زمینه‌ساز اضطراب، ترس و استرس بیشتر در زندگی شود و روابط فرد با همسرش را به تحلیل برسد و موجب تعارض خانوادگی و در نتیجه اقدام به طلاق و جدایی شود. از دیگر یافته‌های این پژوهش این بود که میانگین وظیفه‌شناسی (وجدانی بودن) در زوجین عادی بیشتر از زوجین متقاضی طلاق بود، ولی این تفاوت معنادار نبود. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های (فاضل و همکاران، ۱۳۹۰)، (مرادی، ۱۳۹۲)، (دونلان و همکاران، ۲۰۰۴)، (جنتی جهرمی و همکاران، ۱۳۸۹) همخوان است و با پژوهش (حسینی و همکاران، ۱۳۹۲) ناهمخوان است. اگرچه در این پژوهش تفاوت معناداری بین زوجین عادی و متقاضی طلاق وجود نداشت، ولی با توجه به اینکه میانگین آن در زوجین عادی بیشتر از زوجین عادی بود، می‌توان این استنباط را کرد که افرادی که دارای ویژگی وظیفه‌شناسی هستند، برای اینکه روابط خود را با همسر و خانواده با ثبات نگهدارند، تلاش‌های بیشتری می‌کنند. بنابراین این افراد برای حفظ و ثبات زندگی مشترک تلاش بیشتری می‌کنند و به احتمال بیشتری برای بهبود روابط خود با همسر به خدمات مشاوره‌ای و روانشناسی مراجعه می‌کنند. از سوی دیگر براساس نظریه کوردک، سطح بالای وظیفه‌شناسی موجب کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز در روابط زناشویی و خانواده می‌شود که این خود موجب کاهش اختلاف و تعارض در خانواده می‌شود. همچنین این افراد دارای ویژگی‌هایی چون خوش‌قولی و قابل اعتماد بودن را دارند که این خود در رضایت زناشویی می‌تواند تاثیر زیادی داشته باشد. علاوه بر این افراد وظیفه‌شناس به علت اعتقادات، باورها و تعهداتی که نسبت به خانواده و همسر خود دارند، از انجام رفتارهایی از قبیل مصرف مواد و الکل، رفتارهای غیر متعارف که با خانواده اسلامی و ارزش‌های آن مخالف است و می‌تواند بر ساختار خانواده آسیب بزند، خودداری می‌کنند، در نتیجه احتمال تعارض، جدایی و اقدام به طلاق کاهش می‌یابد. ولی افرادی که این ویژگی را کمتر دارند و یا ندارند نسبت به خانواده خود تعهد کمی دارند و به راحتی می‌توانند با انجام رفتارهایی روابط خود با همسر و خانواده را به تحلیل ببرند و موجب موجی از تعارض در خانواده شوند که فقط با جدایی و طلاق بتوان به این تعارضات پایان داد و همچنین افرادی که دارای ویژگی وظیفه‌شناسی پایینی هستند قادر به کنترل تکانه‌های نامناسب خود نیستند که این خود موجب رفتارهایی نابهنجار و غیرمتعارف می‌شود که می‌توانند بر ساختار خانواده آسیب بزنند و موجب یکی از بزرگترین استرس‌سورهای زندگی یعنی اقدام به طلاق شوند. از دیگر یافته‌های این پژوهش این بود که میانگین موافقت (در زوجین عادی بیشتر از زوجین متقاضی طلاق بود، ولی این تفاوت معنادار نبود. نتایج این پژوهش با یافته‌های (جنتی جهرمی و همکاران، ۱۳۸۹)، (حسینی نسب و همکاران، ۱۳۸۸) و (حسینی و همکاران، ۱۳۹۱) همخوان است و با پژوهش (فاضل و همکاران، ۱۳۹۰) ناهمخوان است. اگرچه در این پژوهش تفاوت معناداری بین زوجین عادی و متقاضی طلاق وجود نداشت، ولی با توجه به اینکه میانگین آن در زوجین عادی بیشتر از زوجین عادی بود، می‌توان این استنباط را کرد که افرادی که در این ویژگی نمرات بالایی می‌گیرند، افرادی هستند که به دیگران حسن نیت دارند، مخلص و بی‌ریا هستند و به گونه‌ای سخاوتمندانه به منافع دیگران اهمیت می‌دهند. همچنین در تعارض بین فردی و زناشویی خود، پرخاشگری را به خوبی کنترل کرده و برای بخشیدن و فراموش کردن خطاها آمادگی دارند. عدم وجود این ویژگی سبب می‌شود که فرد رفتاری پرخاشگرانه نسبت به خانواده و همسر خود داشته باشد، نتواند اشتباهات همسرش را ببخشد و فراموش کند. علاوه بر این نمی‌تواند شرایط همسرش را خوب

## همایش بین‌المللی روان‌شناسی و فرهنگ زندگی

درک کند و واقع بین باشد، که این خود سبب تصمیم‌گیری‌های غیر منطقی در او می‌شود و به احتمال بیشتری با همسر خود دچار تنش و تعارض می‌شود و احتمال اقدام به طلاق در او افزایش می‌یابد.

در مورد اطلاعات بدست آمده از پرسشنامه محقق ساخته در مورد آشنایی قبل از ازدواج و دلایل طلاق، شواهد بیانگر این است که افراد متقاضی طلاق بیشترین فراوانی را در مدت آشنایی قبل از ازدواج یکسال و کمتر از یک سال داشته‌اند که این آشنایی قبل از ازدواج محدود خود می‌تواند موجب عدم شناخت کافی زوجین از یکدیگر شود و در نتیجه خود می‌تواند یکی از دلایل اقدام به طلاق باشد. از سوی دیگر یافته‌های پژوهش نشان داد که عدم تفاهم اخلاقی، مشکلات اخلاقی زوج و مشکلات اخلاقی زوجه از بیشترین دلایلی بوده است که افراد متقاضی طلاق آن‌ها را به عنوان علت تصمیم به طلاق بیان کرده‌اند، ناآگاهی زوجین، از ویژگی‌های اخلاقی یکدیگر به علت مدت آشنایی قبل از ازدواج محدود، باعث می‌شود قدم به ازدواجی مبهم بگذارند که در این ازدواج نتوانند شریک زندگی خود را در بسیاری از وجوه رفتاری و شخصیتی و ... بشناسند، در نتیجه پس از مدتی زندگی با این واقعیت روبرو می‌شوند که در ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی خود با همسر خویش تفاهم لازم را ندارند، در نتیجه به مرور زمان از آن شرایط خسته شده و در صدد راهی برای کاهش دادن این شرایط خسته‌کننده هستند، که در پایان دیگر به این نتیجه می‌رسند که تنها با جدا شدن عاطفی و طلاق می‌توان این شرایط را پایان دهد. در نتیجه برای پایان دادن به این شرایط اقدام به طلاق می‌کند تا با پایان دادن به این شرایط، بتواند در آینده‌ای نزدیک به شرایط دلخواه و فرد دلخواه خود از نظر داشتن ویژگی‌های مورد نظر دست یابد.

منحصر بودن نمونه فقط به زوجین شهر بوشهر، همکاری بسیار ضعیف گروه متقاضی طلاق در پر کردن صحیح پرسشنامه‌ها، محدودیت زمانی، طولانی بودن پرسشنامه و ناقص ارجاع دادن برخی از پرسشنامه‌ها که موجب حذف آن‌ها از جریان پژوهش می‌شد، از جمله محدودیت‌های این پژوهش می‌باشد. با توجه به اینکه این پژوهش در شهر بوشهر صورت گرفت و با در نظر گرفتن این که مسائل فرهنگی در رضایت زناشویی و تعارض زناشویی و در نتیجه جدایی و طلاق افراد تاثیر دارند، پیشنهاد می‌شود که این پژوهش در سایر شهرهای کشور توسط پژوهشگران انجام و نتایج آن با پژوهش حاضر مقایسه گردد. علاوه بر این پیشنهاد می‌شود که در صورت امکان برنامه‌هایی در زمینه آشنایی خانواده به ویژه والدین با مسائل زندگی زناشویی با تاکید بر تاثیر ویژگی‌های شخصیتی زوجین در رضایت زناشویی تدوین و اجرا شود. در نهایت، بر اساس یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود که دوره‌های آگاهی بخشی برای جوانان در آستانه ازدواج در خصوص ویژگی‌های شخصیتی و تاثیر آن‌ها بر ثبات ازدواج اجرا شود.

## منابع

- احدی، بتول (۱۳۸۶)، **رابطه شخصیت و رضایت زناشویی**. روانشناسی معاصر، دوره دوم، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۶.
- دانش، عصمت (۱۳۸۴)، «**تاثیر همانندی/تضاد در ویژگی‌های شخصیتی درون‌گرایی/برون‌گرایی بر رضایت زناشویی**، دو ماهنامه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد، سال دوازدهم، دوره جدید، شماره ۱۰، اردیبهشت ۱۳۸۴».
- حسینی، زهرا؛ خلفی، زهرا؛ جابری، سمیه؛ صدیقی، اکرم؛ صالحی، وجیهه؛ تفویضی، متین؛ جزایری، رضوان السادات و فاتحی زاده، مریم السادات (۱۳۹۱)، **مقایسه ویژگی‌های شخصیتی زوجین متعارض و عادی با استفاده از پرسشنامه شخصیتی ۵ عاملی نئو**. مجله علمی پزشکی قانونی، دوره ۱۹، شماره ۴ و ۱، زمستان ۹۱ و بهار ۹۲، صص ۱۷۳-۱۶۵.
- حسینی نسب، داوود؛ بدری، رحیم؛ قائمیان اسکویی، آيسان (۱۳۸۸)، **رابطه ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های حل تعارض بین فردی با سازگاری زناشویی دانشجویان متاهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز**. فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی، شماره دوم، زمستان ۱۳۸۸.
- جنتی جهرمی، مهرداد؛ معین، لادن؛ یزدانی، لیلا (۱۳۸۹)، **بررسی و مقایسه رابطه‌ای میان ویژگی‌های شخصیتی و رضایتمندی زناشویی در زنان شاغل در کازرون**. فصلنامه‌ی زن و جامعه، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۹.

## همایش بین‌المللی روان‌شناسی و فرهنگ زندگی

- خجسته مهر، رضا (۱۳۸۴)، بررسی ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های دلبستگی و متغیرهای جمعیت شناختی به عنوان پیشبین‌های موفقیت و شکست در زوج‌های متقاضی طلاق و عادی در اهواز. پایان‌نامه دکترای روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز.
- شاهمرادی، سمیه؛ فاتحی زاده، مریم؛ احمدی، احمد (۱۳۹۰)، پیش‌بینی تعارض زناشویی از طریق ویژگی‌های شخصیتی، روانی و جمعیت‌شناسی زوج‌ها. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، سال دوازدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰.
- شاکریان، عطا؛ فاطمی، عادل؛ فرهادیان، مختار (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و رضایتمندی زناشویی، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، بهار ۱۳۹۰، دوره شانزدهم، ۹۹-۹۲.
- شکرکن، حسین؛ خجسته مهر، رضا؛ عطاری، یوسف علی؛ حقیقی، جمال؛ شهنی بیلاق، منیجه؛ (۱۳۸۵)، بررسی ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی به عنوان پیش‌بین‌های موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوج‌های متقاضی طلاق و عادی در اهواز، مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، سال سیزدهم، شماره یک، صفحات ۳۰-۱.
- صدرالاشرفی، مسعود؛ خنکدار طارسی، معصومه؛ شمخوانی، اژدر؛ یوسفی افراشته، مجید (۱۳۹۱)، نشریه مهندسی فرهنگی، سال هفتم، شماره ۷۳ و ۷۴، بهمن و اسفند ۱۳۹۱.
- عسگری، ثریا (۱۳۸۹)، رابطه سبک‌اسناد و ویژگی‌های شخصیتی با رضایت از زندگی زناشویی در پرستاران زن شهر ایلام. پایان‌نامه ارشد روان‌شناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- فاضل، امین‌الله؛ حق‌شناس، حسن و کشاورز، زهرا (۱۳۹۰)، قدرت پیش‌بینی ویژگی‌های شخصیتی و سبک زندگی بر رضایتمندی زوجی زنان پرستار شهر شیراز. فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه‌شناسی زنان، سال دوم، شماره ۱ سوم، پاییز ۱۳۹۰.
- فتحی آشتیانی، علی؛ محبوبه دادستانی (۱۳۹۰)، آزمون‌های روان‌شناختی: ارزیابی شخصیت و سلامت روان، چاپ پنجم، ۱۳۹۰، انتشارات: بعثت.
- کیامهر، جواد (۱۳۸۱)، هنجاریابی فرم کوتاه پرسشنامه پنج‌عاملی NEO.F.F.I و بررسی ساختار عاملی آن (تحلیل تأییدی) در بین دانشجویان دانشکده علوم انسانی دانشگاه تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- گروسی فرشی، میر تقی (۱۳۸۰)، رویکرد نوین در ارزیابی شخصیت، تبریز: پژوه.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۷)، بررسی فقهی - حقوق خانواده: نکاح و انحلال آن. مرکز نشر علوم اسلامی.
- محبی، سیده فاطمه (۱۳۸۰)، آسیب‌شناسی اجتماعی زنان - طلاق، فصلنامه کتاب زنان، ش ۱۲، صص ۲۲-۸.
- مرادی، امید (۱۳۹۲)، مقایسه خصوصیات جمعیت‌شناختی، ویژگی‌های شخصیتی و کیفیت زندگی در زوج‌های عادی و زوج‌های در آستانه طلاق. پژوهش‌های مشاوره، جلد ۱۲، شماره ۴۵.

- Attari YA, Amanollahifard A, Mehrabizadeh Honarmand M (2006). **Relationship between personality Characteristics and individual factors: A family with marital satisfaction in the state personnel office in Ahvaz.** J Sci Educ Psychol; 3: 81-108. [In Persian].
- Barelds, Dick. P.H., & Barelds-Dijkstra, Pieternal. (2006). **Partner personality in distressed relationships.** Journal of clinical psychology and psychotherapy, 13, 392-396.
- Caughlin, J.P., Huston, T.L., & Houts, R.N. (2000). **How does personality matter in marriage? An examination of trait anxiety interpersonal negativity, and marital satisfaction.** Journal of Personality and Social Psychology, 78, 326-336.
- Jarvis, M.O. (2006). **The long term role of newlywed conscientiousness and religiousness in marriage.** Unpublished Doctoral Dissertation. University of Texas at Austin.
- Guttman JM. **A theory of marital dissolution and stability.** J Fam Psychol. 1993; (7): 57-75

- Luo, S., & Klohnen, E.C. (2005). **Assortative mating and marital quality in newlyweds: A couple-centered approach.** Journal of personality and social psychology, 88, 304-326.
- Olson, R. R. and Nemchek, S. (1999). **Five Factor personality similarity and Marital adjustment .Social behavior and personality .**An International Journal. P, 309-317.
- Robins, R.W., caspi, A., & Moffitt, T.E. (2000). **Two personalities, one relationship: Both partners' personality traits shape the quality of their relationship.** Journal of personality and social psychology, 79, 251-259.
- Kurdek, L.A. (1993). **Predicting marital dissolution: A 5 year prospective longitudinal study of newlywed couples.** Journal of Personality and Social Psychology, 64, 221-242.
- McCrea RR, & Costa PT. **A contemplated revision of NEO five factor inventory.** Journal of Personality and Individual Differences 2004; 36: 587-596.
- McCrea, R.R., Costa, P.T& Holland, J. L. (1987). **Validation of the Five-Factor model of personality across instrument and observers.** Journal of Personality and Social psychology, 52-81-90.
- Muhammadzadeh Ibrahimi A, Far had J, BorjAli A(2007). **The relationship between similarity base on personality dimensions of couples and marital satisfaction.** Psychological and Scientific Educational Quarterly; 3: 55-71. [In Persian]
- Dunnellon BM, Conger RD, Bryant Ch. M (2004). **The big five and enduring marriages.** J Res Peers; 38: 481-504.
- Rajabi, GH. Bangani. Kh. (2009). **Relation between personalities Characteristic and love components with marital satisfaction among married Employed worker in Ahvaz City.** New and counseling research, 25, 7-25. (In Persian).
- Watson, D., Hubbard, B., & Wiese, D. (2000). **General traits of personality and affectivity as relationships: Evidence from self- and partner ratings.** Journal of Personality, 68, 413-449.